

کیمیایاگر

پائولو کوئیلو

ترجمہ ی مسعود فاسمی

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرشناسه: کوئیلو، پائولو (Coelho, Paulo)، ۱۹۴۷م -
عنوان و نام پدیدآور: کیمیاگر / نویسنده: پائولو کوئیلو؛ مترجم: مسعود قاسمی.
مشخصات نشر: قم: آیین شریعت، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۷۶ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۷۶۳-۹-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
یادداشت: عنوان اصلی: Alquimista.
یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت ترجمه و منتشر شده است.
موضوع: داستان های برزیلی. قرن ۲۰م / Brazilian fiction - 20 th Century
شناسه افزوده: قاسمی، مسعود، ۱۳۷۲. مترجم.
رده بندی کنگره: PQ ۹۶۹۸ / ۲۷
رده بندی دیویی: ۸۶۹/۳۴۲
شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۳۶۰۵۳

نشانی: قم - میدان ولیعصر - خیابان ولیعصر - فرعی دوم - چاپ و نشر شریعت
تلفن تماس: ۰۹۱۲۴۵۱۳۱۱۹ / نشانی الکترونیکی: shariatipublication@gmail.com
صفحه اینستاگرام: user: shariat_pub



کیمیاگر پائولو کوئیلو ترجمه‌ی مسعود قاسمی



آیین شریعت
انتشارات

ناشر: آیین شریعت
ناظر و مدیر آماده‌سازی: محمد شریعتی
طراحی جلد و صفحه‌آرایی: مرتضی فتح‌اللهی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شریعت
نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۴۰۰
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / بها: ۸۰/۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۳۲-۹۸۲۸۱-۹-۳



◀ با ارسال p57 به شماره ۳۰۰۰۳۲۱۹ در قرعه‌کشی ما شرکت نمایید.
◀ جدیدترین محصولات با تخفیف ویژه را در فروشگاه فراسی دنبال کنید www.farasi.ir

تمامی حقوق این اثر، محفوظ است؛ و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ، برداشت و کپی‌برداری تمام یا قسمتی از این اثر را، خواه به صورت چاپ، فتوکپی و جزوه، مگر با اجازه کتبی ندارد. متخلفین به موجب بند (۵) از ماده (۲) قانون حمایت از ناشران و مؤلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

پیش‌گفتار نویسنده

باید بگویم که «کیمیاگر» یک کتاب نمادین است، و متفاوت با «خاطرات یک مغ» که اثری غیرتخیلی است.

یازده سال از زندگی‌ام را صرف مطالعه‌ی کیمیاگری کردم. همین تصور ساده‌ی استحاله‌ی فلزات به تلاوی یا کشف اکسیر جوانی، برای آن‌که یک رازآموز جادو را شیفته کند، کافی بود. اعتراف می‌کنم که اکسیر جوانی بیشتر اغوا می‌کرد؛ پیش از درک و احساس حضور خداوند، تصور این‌که روزی همه چیز پایان می‌یابد، نومیدکننده بود. بدین ترتیب، وقتی فهمیدم می‌توانم به مایعی دست یابم که قادر است دوران هستی‌ام را سال‌ها افزایش دهد، تصمیم گرفتم جسم و روحم را وقف یافتنش کنم.

آن دوران - آغاز دهه‌ی هفتاد - همزمان با تحولات عظیم اجتماعی بود و هنوز کتاب‌هایی در زمینه‌ی کیمیاگری منتشر نشده بود. مانند یکی از شخصیت‌های کتاب، اندک پولی را که داشتم، خرج کتاب‌های کیمیاگری خارجی کردم. در طول روز، ساعت‌ها از وقتم را صرف مطالعه‌ی نمادشناسی پیچیده‌ی کیمیاگری کردم. در ریودو ژانیرو به جست‌وجوی دو - سه نفر برخاستم

که به طور جدی به علم اعظم می پرداختند، اما آن‌ها از پذیرفتنم سرباز زدند. هم چنین با اشخاص متعدد دیگری نیز آشنا شدم که خود را کیمیاگر می خواندند، آزمایشگاهی داشتند و به من قول می دادند در ازای ثروت واقعی، اسرار این هنر را به من بیاموزند، امروز فهمیده‌ام که هیچ کدام از آنچه را که به دانستنش وانمود می کردند، نمی دانسته‌اند.

با وجود شیفتگی بسیارم، هیچ کدام از تلاش‌هایم نتیجه ندادند. هیچ کدام از آن رویدادهایی که کتاب‌های راهنمای کیمیاگری با زبان پیچیده‌شان ادعا می کردند، رخ نداد. با یک سلسله نمادهای بی پایان از اژدها، شیر، خورشید، ماه و عطارد رویه‌رو بودم و مدام احساس می کردم در مسیر اشتباهی هستم. چون این زبان نمادین، ابهام عظیمی ایجاد می کرد. در سال ۱۹۷۲، دیگر از عدم پیشرفت خودم ناامید شدم و خودم را در یک بی مسئولیتی عظیم رها کردم. در این دوره، وزارت آموزش ایالت ماتو گروسو (Mato Grosso) قراردادی با من بست تا در همان تاثیری که کار می کردم، درس هم بدهم. تصمیم گرفتم در آزمایشگاه‌های تاثیرم، شاگردانم را موضوع کتیبه زمرد قرار بدهم. این شیوه، همراه با چند مورد پیش رویم در نواحی مکتوم جادو، باعث شد سال بعد بتوانم با جسم و روحم معنای حقیقی ضرب المثل: «از تو حرکت، از خدا برکت» را دریابم. تمام زندگیم زیر و رو شد.

شش سال بعدی زندگی‌ام را به دور از هر آنچه به نظر می رسید با مسائل عرفانی ارتباط داشته باشد، زیستم. در این دوره‌ی تبعید روحانی، مسائل مهم بسیاری را آموختم؛ این که تنها هنگامی حقیقتی را می پذیریم که نخست در ژرفای روحمان انکارش کرده باشیم؛ که نباید از سرنوشت خود بگریزیم، و این که دست خداوند، علی‌رغم سخت‌گیری‌اش، بی نهایت سخاوتمند است.